



به بهانه انتشار آلبوم «آوای کهن» در گفت‌وگو با «هومن دهلوی»

# برخی از سازها و نغمه‌های ایرانی مهجور مانده‌اند

**فرزانه نکو اصل:** هنگامی که قطعه موسیقی را می‌شنویم، شعری ناب می‌خوانیم یا به یک اثر هنری خیره می‌شویم، به بهانه‌ترین لایه‌های روح خود که همان سراسر آغاز هستی است نزدیک می‌شویم، شور هستی در جان ما می‌دود، دوباره خود را پیدا می‌کنیم و در آغوش می‌گیریم. شاید در این بیخ‌وتاب‌ها به راز آفرینش بی‌بریم، دوباره از نو خلق شویم و پای کوبان به ساحت عشق ورود کنیم، ما را وسوسه می‌کند تا آگاه شویم که تنها عشق راز جاودانگی است و این اعجاز هنر به‌ویژه موسیقی است. هومن دهلوی متولد ۱۷ تیر سال ۱۳۵۰ فارغ‌التحصیل دانشگاه موسیقی است. به‌واسطه زمینه خانوادگی و حضور پدر و مادر که نخستین معلمان او بودند (استادان حسین دهلوی و سوسن اصلانی) با موسیقی اصیل و فاخر ایرانی پیوندی ناگسستنی دارد و این بار با یکی از کهن‌ترین سازها و موسیقی‌های سرزمین خود ارتباطی عمیق برقرار کرده است که حاصل آن خلق آلبومی به نام «آوای کهن» شده با همکاری و آهنگ‌سازی فراز کاویانی برای قطعات تنبور. در اثر تازه‌اش هنرمندانه بی‌قراری‌ها و عاشقانه‌هایش را با همان آرامش همیشگی (که ویژگی آثار و شخصیت اوست) در هم آمیخته و موجب پدید آمدن پارادوکس زیبایی شده که ریشه در ذات هنر این خاک و نشان از پیوند عمیق خالق آن با هنر سرزمینش دارد. با موسیقی او می‌شود فکر کرد، خواند و نوشت، آن را شنید و به روزمرگی‌ها مشغول شد و طعم آنها را عوض کرد. در آلبوم «آوای کهن» کوبی بیری تورا دعوت به شنیدن قصه‌ای شیرین و کهنه با رنگ‌های تازه می‌کند. شاهد گفت‌وگویی دلنشین میان تنبور و سازهای زهی می‌شویم که شاید هرگز قرار نبوده در یک اثر کنار هم حضور داشته باشند. لازم به ذکر است که این گفت‌وگو در زمستان ۱۴۰۰ مدتی بعد از ضبط اثر انجام شد که قرار بر این بود هم‌زمان با رونمایی آلبوم چاپ شود؛ اما به دلیل گذراندن مراحل تولید آلبوم، انتشار آن تا پاییز ۱۴۰۱ به تعویق افتاد که از اعلام رسمی آن صرف‌نظر شد. در اسفندماه ۱۴۰۱ رونمایی کوچکی برای معرفی آلبوم برگزار شد و اکنون تصمیم گرفته شده که این گفت‌وگو منتشر شود تا علاقه‌مندان موسیقی فاخر از آن بی‌بهره نمانند.

حرکت بالارونده همراه با مدولاسیون به مومنان آخر می‌رسد. بخش نهایی تند و پرازری، که لازمه مومنان‌های پایانی است، با تمی پیچیده از لحاظ ریتم آغاز می‌شود و چون جمله کوتاهی دارد، در تنظیم قطعه با بسط و گسترش فراوانی همراه می‌شود و در نهایت با کدایی قدرتمند مجموعه را به پایان می‌رساند.

## ◆ فکر می‌کردید روزی تنبور و سازهای زهی کنار هم قرار بگیرند؟

شاید به واسطه آشنایی با هنرهای تجسمی، ناخوسته خیلی به رابطه صوت با نقش و رنگ اهمیت می‌دهم. در اغلب کارهایم نت‌ها به نوعی مفهوم نقش‌ها را دارند و صدای سازها با رنگ‌ها پیوند خورده‌اند و فرم اثر، طراحی کلی کار را بیان می‌کند. برای این مورد هم ترکیب یک ساز زخمه‌ای در کنار سازهای کششی از لحاظ تنوع صوتی و رنگ آمیزی و از سوی دیگر از لحاظ وسعت صوتی و بافت هارمونیک بسیار مناسب با طرحی بود که در ذهن داشتم.

## ◆ برای سازهای دیگر هم این قصد را دارید؟

به نظر من وجود مجموعه‌های سازی این‌چنینی در رپرتوار موسیقی ایران بسیار ضروری و باارزش است. این موضوع می‌تواند برای همه سازها اتفاق بیفتد و ضمن حفظ اصالت، شخصیت و توانایی هر ساز، آن را از حالت تک‌نوازی و یک‌صدایی به گروه‌نوازی و چندصدایی تبدیل کرد که بدون شک

زهی مینیاتور، پدram فریوسفی، نیلوفر محبی، میثم مروستی و آتنا اشتیاقی که از برجسته‌ترین نوازندگان این رشته هستند، سیاس ویژه‌ای داشته باشم که با چیره‌دستی بسیار به نت‌های این مجموعه جان بخشیدند و روح موسیقی را در آنها زنده کردند. همچنین از صداردار محترم صادق نوری که تمام مراحل ادیت، میکس و مسترینگ مجموعه را با وسواس و تعهد فراوان به انجام رساندند، سپاسگزار می‌کنم.

## ◆ دلیل سپردن آهنگ‌سازی قطعات تنبور به آقای کاویانی چه بود؟

از دو جنبه این موضوع اهمیت داشت؛ اول اینکه می‌خواستیم از مقام‌های تنبور بهره بگیریم که وجود نوازنده‌ای که به آنها کاملاً مسلط باشد، ضروری بود. دوم اینکه تنبور تکنیک‌های نوازندگی خاص خودش را دارد و به یک روش ثابت و مشخص نواخته یا تعلیم داده نمی‌شود و بیشتر نوازندگان مطرح تنبور هم هر یک به لحاظ تکنیک و روش نوازندگی با هم متفاوت هستند؛ بنابراین نمی‌توانستیم تنها به محدوده شناخت خودم از این ساز و مقام‌ها بسنده کنم. با شناختی که از کارهای آقای کاویانی در نوازندگی و آهنگ‌سازی تنبور داشتم، می‌دانستم که با ایده‌های نو و خلاقانه و از طرفی با پشتکار و ممارست ایشان در روال کار، به همکاری ثمربخشی خواهیم رسید. در نهایت انتخاب مقام‌ها، فرم هر بخش، فرم کلی مومنان‌ها و ترتیب آنها و همین‌طور گاهی تغییراتی در جملات ملودی، ضرورتی بودند که با وسواس فراوان به آنها پرداختم.

## ◆ از فضای کار و دلیل انتخاب مقام‌ها بگویید.

ابتدا در این فکر بودم که مجموعه‌ها را با یک روایت یا داستان کهن پیش ببرم و مقام‌ها را براساس آن انتخاب کنم؛ اما بعد این روند تغییر کرد؛ چون دچار محدودیت‌هایی در کار می‌شدم؛ سپس به مطالعه و شناخت بیشتر مقام‌ها پرداختم و در این مسیر علاوه بر آقای کاویانی از مشاوره با جناب نوری هم بهره‌مند شدم. فضای نهایی اثر با توجه به تعداد مومنان‌ها و ترتیب آنها و با انتخاب مقام‌هایی مانند ساروخانی، سرخیوی، سحری، عابدینه، قطار و سید خاموشی به‌مرور شکل گرفت تا منطبق کلی اثر را به بهترین شکل بیان کند.

## ◆ آلبوم از ابتدا تا انتها یک روایت را می‌گوید یا هرکدام از قطعات روایت خود را دارند؟

در نگاه اول هرکدام از مومنان‌ها داستان و فرم خودشان را دارند؛ اما با نگاهی به نام‌گذاری قطعات، پیداست که یک روایت کلی از ابتدا تا انتها وجود دارد تا آنها را نیز به هم پیوند بزنند. به‌طور مختصر بگویم مومنان نخست حالت آوازی با فضایی آرام در مقام ساروخانی دارد که در حقیقت مقدمه‌ای است برای بخش بعد که مومنانی تند با حرکتی چهار مضرب‌گونه و فرمی زُوندو مانند دارد که بی‌وقفه پیش می‌رود. مومنان سوم با تک‌نوازی ویلن‌سل آغاز می‌شود و سپس به گفت‌وگویی بین آلتسو و ویلن‌ها بدون حضور تنبور می‌پردازد که در ادامه با ورود تنبور موسیقی عاشقانه‌ای با پیتریکاتوی زهی‌ها همراه می‌شود که آرام و روئنه است. بخش بعد ریتمی تند و پای‌کوبان دارد تا حس متفاوتی را با تمی سرزنده و پرازری به رخ بکشد که در انتهای قطعه به‌مرور فروکش می‌کند و شنونده را به جوی آرام و عمیق دعوت می‌کند که تنها با سازهای زهی پیش می‌رود و با سؤال و جواب بین سازها به صورت کنترپوانتیک شکل می‌گیرد. در ادامه، مومنان هفتم با استفاده از دو مقام سحری و عابدینه که فضایی مرموز و بسیار خاص دارند، شکل گرفته که در انتها با یک

یکی از ضروری‌ترین نیازهای هنری جامعه امروزی است. این تجربه در مواردی محدود در گروه سازهای ایرانی از سال‌ها پیش اتفاق افتاده؛ اما با این نگرش جدید می‌توان به ترکیب‌های تازه و متنوعی از لحاظ صوتی یا فرمی رسید که تا پیش از این در موسیقی ایران سابقه‌ای نداشته است. پیش‌تر طبق گرایش شخصی خود به کارهای ارکسترال، آثاری در این زمینه برای قانون و ارکستر، نی و ارکستر، تنبور و ارکستر و کمانچه و ارکستر نوشته‌ام و برخی از آنها را منتشر کرده‌ام؛ ولی در حال حاضر فکر می‌کنم که با ترکیب چند ساز هم می‌توان آثاری به وجود آورد که دارای همان ویژگی‌ها باشند و ضمن مواردی که قبلاً به آنها اشاره کردم، مناسبت بیشتری از جنبه‌های مختلف به شرایط زمان حاضر دارند. حتی می‌توان به گونه‌های متنوعی از این ترکیب‌ها فکر کرد. به‌عنوان نمونه برای دو ساز سلو مثل سنتور و تار و گروه کوچکی از سازهای دیگر که متناسب همراهی آنها باشند یا هر ترکیب دیگری که این ویژگی‌ها را بتواند در خود جای دهد. به هر حال اگر فرصت و عمری باشد، مایلم برای سازهای دیگر ایرانی نیز این‌گونه کارها را بنویسم و امیدوارم آهنگ‌سازان دیگر نیز آثاری در این شکل تولید کنند؛ چراکه به نظر من موسیقی ایران برای ادامه حیات خود بسیار نیازمند وجود این‌گونه آثار است.

## طرح کوله کتاب حامی برای توسعه و ترویج مطالعه در دور افتاده‌ترین مناطق کشور

"انجمن حمایت از توسعه فضاهای آموزشی و فرهنگی حامی" با هدف توسعه و ترویج فرهنگ کتابخوانی و مطالعه در مناطق محروم و دور افتاده کشور طرح کوله کتاب حامی را راه‌اندازی کرد تا از کودکان کم‌برخوردار دورترین روستاهای ایران حمایت کند.



## کوله کتاب حامی

برای

## کودکان کم‌برخوردار

ایران زمین

من یک حامی هستم

پرداخت با موبایل # ۷۳۳۳ \* ۴ \* ۱۳۸ \*

hamiassociation.org

@hami\_association

Tel: ۰۲۱-۸۸۸۳۰۱۷۷

انجمن حامی حمایت از توسعه فضاهای آموزشی و فرهنگی



کارهایی نوشتیم که از دو نظر برایم اهمیت داشت. اول اینکه سازهای ایرانی در آنها نقش پررنگی داشته باشند و دوم اینکه از نغمه‌های ایرانی بهره بگیرند. در اغلب آن کارها یک ساز ایرانی نقش تک‌نواز داشت و گروهی از سازهای دیگر آن را همراهی می‌کردند. البته قبلاً آهنگ‌سازان دیگری مانند پدرم، استاد حسین دهلوی، این کار را کرده بودند و آثار بسیار برجسته‌ای نیز در این حیطه خلق کرده بودند؛ اما شامل تمام سازهای ایرانی نمی‌شد. به‌طور مثال سازهایی مانند قانون، نی، قیچک و تنبور را می‌توان ذکر کرد که در میان آنها صدای تنبور برای من همیشه خاص بود، سازی نجیب و درون‌گرا که با تکنیک‌های منحصر به فردش روایت‌هایی را بازگو می‌کرد که تنها مختص این ساز بود. در آن زمان به سبب دوستی با هنرمند عزیز محمد ذوالنوری شروع به نوشتن قطعه‌ای برای تنبور و ارکستر زهی کردم که متأسفانه به خاطر شرایط آن زمان، ارکستر بعد از چند ماه فعالیت منحل شد و کارها به اجرا نرسیدند.

کوارتت کلاسیک ایرانی  
ECHOES OF THE PAST  
Tanbur and String Quartet  
Houman Dehlavi, Faraz Kaviani  
Miniature Quartet  
آوای کهن - تنبور و کوارتت زهی  
فراز کاویانی - هومن دهلوی  
کوارتت مینیاتور  
انجمن هنرمندان  
WWW.MODERNTUDIOR.IR